

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

زمان: پنجشنبه‌ها ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

عنوان: مسابقات معماری ۲. روش برگزاری، مدارک و جوایز

سلسله نشست‌های مسابقات معماری روش برگزاری، مدارک و جوایز ۱. راستی آزمای داوران و شرکت کنندگان ۲. روش برگزاری، مدارک و جوایز

اعضای میزگرد: دکتر شیوا آراسته، دکتر مهشید معتمد، دکتر علیرضا عظیمی و دکتر محمدمهدی محمودی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها

محمودی: سلام عرض می‌کنم. با موضوع مسابقات معماری در خدمت سرکار خانم دکتر شیوا آراسته، جناب آقای دکتر علیرضا عظیمی و سرکار خانم دکتر مهشید معتمد هستیم. مسابقات معماری در دو بخش صحبت کردیم که این جلسه نشست دوم هست، بحث اول درباره راستی آزمائی داوران و شرکت کنندگان، که دو هفته قبل برگزار شد. این جلسه هم در خصوص روش برگزاری و مدارک و جوایز صحبت خواهیم کرد. در خصوص بحث مسابقات معماری که در خدمت این سه بزرگوار هستیم، این بار صحبت درباره روش برگزاری، مدارک و جوایز می‌باشد.

به نظر من چه در ایران و چه در جهان، مسابقات معماری به روش‌های گوناگون برگزار می‌شود. به صورت محدود یا نامحدود، بنابراین نمونه‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام به اعتقاد من بستگی به نوع مسابقه و آن نیاز و بهره‌بردار داشته است. آیا این طور که فکر می‌کنم درست است یا خیر؟ اولین صحبت را خانم دکتر آراسته شروع کنند.

آراسته: سلام خدمت شما و خیلی خوشحال هستم بعد از مدت‌ها دوری، دیدارهای مجازی داریم. همان‌طور که در جریان هستید بحث مسابقات بحث چالش برانگیزی بوده، در ایران از دهه ۹۰ برای ساماندهی این وضعیت و دیده‌بانی مسابقات یک سری کارها در جامعه معماری شکل گرفت. موضوعی که مطرح می‌کنید از نظر من موضوع ثانیه است و موضوع اولیه ما، یک ضعف بزرگی در تعریف مسابقه و نوع برگزاری دارد. بهتر بگوییم ما باید به بحث اخلاق در مسابقه را بپردازیم. آن ضمانت اجرای اخلاقی که می‌بایست پس زمینه اساسنامه مسابقات باشد به دلیل اینکه اصلاً مسابقه از جای به بحران وارد می‌شود که یکی از طرفین چه کارفرما، چه برگزار کننده و چه داور آن مرزهای اخلاق را زیر پا می‌گذارند. در واقع آن پارتی بازی، به نفع دیگری رای دادن و آن کار پاس دادن‌ها اتفاق می‌افتد.

درست است بحث انواع مسابقه مهم است و در سال ۹۱ ما یک متنی را ترجمه کرده بودیم که با جدیت می‌گفت در همه جای دنیا بهترین روش برای استعدادیابی، مسابقه معماری است. خود من هم در ایران با مسابقه معماری مطرح شدم. اولین جای که مطرح شدم در سال ۸۵ - ۸۶ یک مسابقه بزرگی به نام باغ نور بود. یک دفعه بین ۲۰۰ مشاور که خود من جوان بودم و ۲۹ سال داشتم رتبه دوم شدم و از شهرداری تهران آن سال ۷۰ سکه گرفتم. خیلی برایم مهم بود که در آن مسابقه که مشاورهای بزرگ شرکت کرده بودند مانند مشاور نقش جهان، مشاور پلیمر و... من رتبه دوم شدم. آقای امیرحسین طاهری سوم شد. آن مسابقه نقطه عطف زندگی خود من شد. بنابراین نقش مسابقه بسیار مثبت است. باید اتفاق بیفتد. ولی حتی بعضی مسابقات به من داده نشد و خیلی هم ناراحت شدم. همین بحثی که مدارک مسابقه، ضوابط مسابقه را می‌گوییم که ما مدارک را هم رعایت کرده بودیم، اما رقیب من با شرکت بزرگ کیسون مشارکت کرد. خوب معلوم هست کارفرما به من اعتماد نمی‌کند چون من جوان بودم. الان می‌فهم کارفرما حق داشت. اگر من هم به جای کارفرما بودم به یک خانم ۲۹ ساله که تازه دفتر تأسیس کرده است قطعاً یک پروژه ۲۰۰ هزار متر مربع را نمی‌دادم و اگر من هم می‌گرفتم قطعاً آن پروژه در توان من نبود. همان مسابقه باغ کتاب یا باغ نور یک مجموعه مسابقه بودند که یک سری جوان معرفی شدند و بعد از آن به شهرداری تهران دعوت شدند. البته مسابقه اجرای بود. ولی مسابقه کانسپت که شما فرمودند که ژانر آن کاملاً جدا

هست و ما آنجا مشکل اخلاقی نداریم چون همان طوری که می‌دانید بحث نفع مالی نداریم. نهایتاً ممکن یک استادی در پروژه کار گروه شاگرد خودش را برنده اعلام کند که از نظر ما بی اخلاقی منصوب می‌شود. تجربه نشان داد مسابقه شمس تبریزی، مسابقه اسپو ایران که وقتی محدود است شما اشخاصی را دعوت می‌کنید که اگر برنده شدند می‌توانند مسابقه را ادامه دهند و به پروژه تبدیل کنند. اما در مسابقه شمس تبریزی که سومین بار برگزار شد به صورت عمومی برگزار کردیم و ۷۰۰ تا پروژه آمد که خیلی از آنها دانشجویی بود. در نهایت داور مسابقه با کارفرما قرارداد بست و... به دلیل اینکه کارها در حدی نبود که بخواهند اجرا کنند. اما مسابقه محدود حداقل این است که روزمه گرفته می‌شود و در آن سطحی هست و لیبیل مسابقه متفاوت است. اما آسیب جدی در بخش مدارک و بخش ضوابط نیست. آسیب جدی ما از آن جای شروع می‌شود که نفع مالی و شهرت و اقتصادی داوران و برگزار کننده و خود شرکت کننده‌ها وسوسه می‌کند. راه حلی که من دارم به صورت واضح و شفاف، مهم‌ترین بحث اخلاق هست. اگر همه ما مرزهای اخلاق را رعایت کنیم مسابقه سالم خواهد بود و تمام مراحل درست پیش خواهد رفت.

محمودی: به انواع مسابقات از نظر کانسپت، عملکردی محدود و اجرای اشاره کردید و گفتید اخلاق حرف اول را می‌زند. چقدر جالب شرح دارید که در مسابقه‌ای که اجرای هست بهتر است دانشجویان نباشند و موقعی که کانسپت است آنها باشند و تشریح کردید که نوع اینها چگونه هست. آقای دکتر عظیمی نظر شما چیست؟

عظیمی: خدمت شما و اساتید خودم سلام عرض می‌کنم. این موضوعی که درباره آن بحث شد کاملاً مسئله درستی است. واقعاً حوزه برگزاری مسابقات حرف و حدیث و حاشیه‌های زیادی دارد. روش برگزاری انواع مختلفی در ایران و جهان دارد. دو نکته در مورد ایران به نظرم لازم است که بگویم. اول اینکه در ایران مسابقات دانشجویی خیلی کم داریم. علی‌رغم اینکه آمار دانشجویان ما بسیار بالا هست مسابقه‌ها کم هست. مسئولین دانشگاه و اساتید که باید متولی برگزاری این مسابقات باشند اصلاً آشنای با این حوزه ندارند. بخش حضوری و اسپانسرها با توجه به اینکه اسم این مسابقات دانشجویی است خیلی علاقمند به حضور در این مسابقات نیستند و این برای کشور ما ضعف هست. دوم اینکه مسابقات محدود هست. من از ترس نوع شفاف بودن مسابقات از این مسابقات می‌ترسم و همیشه سعی می‌کنم تا جای که می‌توانم مسابقات را محدود برگزار نکنم. چون به هیچ عنوان شفافیت وجود ندارد. انتخاب تیم‌ها براساس شایستگی نیست بلکه براساس روابط و دوستی بین برگزار کننده و مشاور و دفاتر معماری هست. من خیلی مسابقات محدود را دوست ندارم و حتی در بعضی جاها این نوع مسابقات را کشف استعدادهای نمی‌دانم. ولی به هر حال این همه یک نوع مسابقه هست و در دنیا هم مرسوم است. ما اگر در کشورمان مشکلات داریم نباید خود مسابقه زیر سوال ببریم و فکر کنیم باید درباره اینها صحبت شود تا چارچوب آن مشخص شود.

محمودی: به نکته جالبی اشاره کردید. مسابقات دانشجویی که بیرون از نظر اجرا، از نظر حامی طرفدار ندارد ولی مورد نیاز جوانانی است که فارغ التحصیل شده‌اند. همان طوری که در یک آتلیه نباید محدود باشند و باید با آتلیه‌های دیگر ارتباط داشته باشند. گفتید وقتی مسابقه هست، دانشجویان و دانشگاه‌ها می‌توانند تبادل نظر داشته باشد و یک رقابت علمی شکل بگیرد. ولی متأسفانه اکثر اساتید با این موضوع مخالف هستند و فقط دانشگاه و آتلیه خودشان را می‌بینند که این خیلی جذاب نیست و دانشجویان مایل هستند با بقیه دانشجویان و حتی یا دانشجویان آن طرف دنیا رقابت کنند.

مورد دیگری که اشاره شد بحث مخالفت شما و مسابقه‌های محدود بود که از نظر شما بی اخلاقی بود ولی خانم دکتر آراسته نگاهشان روی مسابقات محدود حرفه‌ای بود و اشاره کردند بحث بی اخلاقی در همه مسابقات هست و باید اخلاق رعایت شود و اگر رعایت شود در پروژه‌های بسیار مهم این مسابقات محدود بهتر عمل می‌کند و خیلی واقعی‌تر است. خانم دکتر معتمد نظر شما چیست؟

معتمد: خدمت همه دوستان سلام عرض می‌کنم. در مرور سوال اول ما باید بدانیم که کارفرما هزینه می‌کند و می‌خواهد یک برداشتی از مسابقه داشته باشد. حالا بسته به آن هزینه، خواسته‌ها و نیازهایش می‌تواند دستاوردش را تعیین و تعریف کند. ولی این وسط حلقه دآوری و مدیریت مسابقه هست که تصمیم گیرنده است. درباره شیوه برگزاری مسابقه، ی همه موارد را نمی‌توان به گردن کارفرما بگذاریم. به نظرم مسابقات موجود در ایران که در رسته‌های مختلف برگزار می‌شود مخاطب‌های گوناگون را تا حدی توانسته قانع کند ولی بحث مسابقه‌های محدود که مطرح شد به نظرم یک اجحافی هست در حق بعضی از استعدادهای که امکان حضور پیدا

نمی‌کنند.

فکر می‌کنم ما به جای مسابقه محدود بتوانیم یک فیلتری را تعریف کنیم ولی اجازه دهیم آدم‌های بیشتری با توجه به اینکه پروژه‌ها در سطح ابتدای نباشد از حالت محدود در آوریم و در عین حال از ورود پروژه‌های خام و غیرقابل اجرا هم جلوگیری کنیم. لذا مسئله اصلی در بحث مسابقات همان موضوع مسابقاتی هستند که برای پروژه‌های اجرای اتفاق می‌افتد. یعنی در بقیه رقابت‌های معماری مثل هر رقابت دیگری ممکن هست حرف و حدیثی وجود داشته باشد ولی معمولاً شرکت کنندگان قانع‌تر می‌شوند. اما زمانی که درباره یک پروژه اجرای و در اشل‌های بزرگی شهری باشد، تصمیم‌گیری مشکلات خودشان را بیشتر نمایش می‌دهند. دلیل آن هم همان منفعت و در واقع ذینفع بودن افراد در ساخت و شکل‌گیری آن پروژه هست. لذا من فکر می‌کنم این تردد می‌تواند نگه داشته شود. انتخاب نوع مسابقه را به بخش داوری و بخش مدیریت مسابقه واگذار کنیم تا در مورد آن تصمیم گیرنده اصلی باشند به جای اینکه کارفرما تصمیم گیرنده باشد.

محمودی: خانم دکتر آراسته در خدمت شما هستیم.

آراسته: به نظرم در تعریف‌مان از مسابقه محدود، به یک تعریف مشترک نرسیدیم. چون چیزی که در صحبت دکتر معتمد است مسابقه محدود، یک تعریف و یک فیلترهای دارد. به محض اینکه یک فیلتری تعریف می‌شود آن مسابقه از حالت عمومی خارج می‌شود. منظور من در مسابقه محدود این نیست که کسی که می‌آید و چند نفر از دوستانش را دعوت می‌کند بلکه شهرداری یک مسابقه می‌گذارد و می‌گوید روزه ارسال کنید و بعد رزومه‌ها را ارزیابی می‌کند. مثل کارخانه سیمان ری که گفت تیم بفرستید. از بین ۴۰۰ تا ایمیلی که ارسال می‌شود ۹۰ تا را انتخاب می‌کند و به آنها ایمیل می‌زند و مدارک مسابقه را می‌فرستند. این یعنی مسابقه محدود که اتفاقاً خیلی هم درست هست. بحث استعدادها که گفته شد به نظر من یک کمی بحث شخصی هست. ما باید خیلی صادق باشیم. یک وقتی هست ما جوان و بچه هستیم و روی احساس صحبت می‌کنیم. یک وقت‌های هم هست روی پروژه ملی و میلیاردها تومان هزینه صحبت می‌کنیم. آنجا بحث است که وقتی ۱۰ شرکت یا ۲۰ شرکت در لیست وزارت راه و در لیست شهرداری تهران هستند بقیه یک روزه و یک استخوانی خُرد کردند که به اینجا رسیدند. یک پشتوانه‌ای دارند. به هیچ عنوان نمی‌توانیم یک جوان هر چند با استعداد را کنار آنها بگذاریم. من با این قضیه بسیار مخالف هستم. چون خودم هم تدوین این نامه کار گروه را داشتم و هم مسابقه‌های دنیا را بررسی کردم. هیچ وقت نمی‌توانید رنکول هاوس کنار یک جوان بگذاریم، اصلاً توهین به رنکول هاوس است. بنابراین با این ادبیات که اجحاف است و حق استعداد ناشناخته است اینکار را نباید کرد. آن اگر ناشناسه است استعداد آن در حدی بود که ناشناخته بود. باید تلاش می‌کرد شناخته شود. همه ما این راه را رفتیم، یک شبه هم ره صد ساله را نمی‌شود رفت. می‌بایست یک رزومه‌ای را جمع کند و بعد توقع داشته باشد که در یک پروژه ملی دعوت شود. اینکه در دانشگاه با استعداد بوده و دو تا اسکپس خوب زده و الان هم یک دفتری در یک شهری دوری زده است و توقع داشته باشد که در یک پروژه بزرگ دعوت شود. این توقع از اینجا همان مرزهای اخلاق است که داریم رد می‌کنیم. به نظر من چون مغلطه ایجاد می‌کنیم به نظر من می‌بایستی در این نامه یک سری سطوح برای مسابقه تعریف کنیم و این سطوح باید فیلتر داشته باشد. وقتی این فیلترها تعریف شود دیگر من و شما مسابقه می‌ریم را شرکت نمی‌کنیم، چون ما سطح را رد کردیم آن مسابقه دانشجویی هست. ولی من و شما نمی‌توانیم توقع داشته باشیم در یک مسابقه در مقیاس مثلاً یک مشاور با گرید یک ما را دعوت کنند. این را باید بپذیریم سخت است. چون تا زمانی که موضوع را نپذیریم این چالش و بحث‌ها هست. بحثی که من ده سال است درگیر مسابقه‌ای که برگزار می‌کنم هستم. ده‌ها تلفن به من می‌شد که چرا ما را دعوت نکردید؟ خوب من روزه‌ها را بررسی کردم. شما خانم یا آقای محترم در حد این مسابقه نبودید که دعوت شوید. به خاطر اینکه من به عنوان برگزار کننده، مسئول و امین کارفرما هستم و اینکه باید خروجی کار خوب باشد. من یکبار در زندگی خودم یک نفر را روی آشنای و دوستی دعوت کردم همان یک نفر آبروی مرا جلوی کارفرما با کار بدی که تحویل داد بُرد. کمک هزینه هم گرفت که من مجبور شدم آن کمک هزینه را به صندوق کارفرما برگردانم چون کارفرما راضی نبود. بنابراین پشت صحنه این قضیه بحث احساسات و یا آن نظرات شخصی نیست، بحث مسئولیت است که یک مدیر مسابقه دارد که هم باید استعدادیابی کند و هم نظرات کارفرما و هزینه‌های که کارفرما می‌کند به حق باشد. حتی بعضی وقت‌ها افرادی که ارتباط خوبی هم ندارم و مخالف هستم را دعوت می‌کنم که چون می‌دانم

در این مسابقه طرح می‌تواند طرح خوبی بدهند و باعث افتخار باشد. اینجاست که من تاکید می‌کنم وقتی اخلاق در حرفه مطرح می‌شود بحث‌های شخصی، احساسی، هیجانی و شخصی کنار می‌رود. مسابقه محدود و غیر محدود عمومی می‌تواند یک سری فیلتر داشته باشد، اما این فیلترها ممکن است در رضایت من و شما نباشد.

محمودی: من صحبت دیگری دارم همه ما به هر حال یک دوران و سنی را داشتیم. بحثی که از نظر اخلاقی اشاره می‌شود، آن بحث هیجانی هم می‌تواند غیراخلاقی باشد که یک پروژه ملی با سرمایه‌ای که انجام می‌شود از اول یک مسیر اشتباهی را برود و در مسابقه‌ای پروژه‌ای انتخاب شود که قابل اجرا نباشد، یا حتی اگر اجرا شود به درد نخورد و بهره‌برداری درستی از آن نشود. پروژه‌های در این مملکت داریم که در مسابقه‌ای یک ۳ بعدی و یک پوستر قشنگی برنده شده و بحث‌های اقتصادی آن چه در دوران ساخت و چه در دوران بهره‌برداری دیده نشده و داریم مرتب هزینه می‌کنیم. این هم به نظر من یک نوع بی‌اخلاقی هست. من اعتقاد دارم در هر حال مسابقه معماری با یک نگاه می‌تواند دانش افزای باشد که افراد سلیقه خودشان به صورت کانسپت را بگویند و ایده‌های بیاید. یک نگاه دیگری هست ولی یک سوی مسابقات بسیار حرفه‌ای هست که در همه جای دنیا درباره معمار و برق و مکانیک و سازه، بحث‌های اجتماعی، محیط زیستی، بحث‌های اقتصادی داخلش یک گروه و یک تیم را و می‌بینم این پروژه‌ها موفق‌تر هست. به همین دلیل به آن روش مسابقه برمی‌گردم. آیا معقول هست یک سری به هر دلیلی آمدند در مسابقه‌ای که آزاد بوده و شروع شده است آمدند و مدارک مسابقه را در زمان مسابقه تغییر دهند؟ حتی اگر درست هم هست این یک روش مسابقه‌ای است. قبل از آن عده‌ای با هم صحبت کرده و برنامه‌ریزی کردند و اعلام می‌شود. یا اعلام محدود هست یا آزاد. در یک زمانی شروع شده است. آیا از نظر شما عزیزان معقول هست حتی به دلایل مثبت، مدارک تغییر می‌کند؟ خانم دکتر آراسته با شما شروع می‌کنیم.

آراسته: باز برمی‌گردیم به اینکه یک سری بندهای را در آئین نامه خودمان نداریم و این باعث شده کارفرما و برگزار کننده مسائلی را حتی به تیم داوری تحمیل کند. به دلیل اینکه در بند آئین نامه نیامده است که این مسابقه تک مرحله‌ای باید باشد. باید در پایان محله اول برنده اعلام شود. پس یک بحثی که ما در کار گروه داشتیم این هست مدتی مد شده بود و می‌گفتند مسابقه نفر اول ندارد از رتبه دوم معرفی می‌شد و می‌گفتند ما ساعت‌ها روی این مسئله کار کارشناسی و مقایسه‌ای کردیم، مگر می‌شود؟؟ الان بین من و آقای عظیمی یک مسابقه دو می‌گذاریم، درست است هیچ کدام از ما رکورد دو جهانی را نداریم ولی بین ما دو نفر یک نفر باید برنده شود. پس باید نفر اول اعلام شود اینکه بهانه داورها یا بهانه کارفرما برای اینکه قرارداد نبندد. چون بندی هست که می‌گویند ارجحیت قرارداد با نفر اول هست. اینکه با بهانه خوب جایزه اول را ندهیم و به جای این دوتا دوم اعلام کنیم. در این سال‌ها ما تمام این مراحل را در داوری دیده‌ایم. در صورتی که بین ما یک نفر طرحش از ما بهتر است. ممکن است در مقیاس طرح آقای رم کوهپاس و خانم زها حدید نباشد مهم نیست. مانند این است که دو نفر با هم هیچ بندها پس بگویند چون روز شما با فرد جهانی نیست پس هیچ کدام برنده نیستید در حالی که باید یکی بین دو نفر اول شود. بنابراین بخشی این موضوعی که شما می‌گویید به آن این‌نامه که اضافه شد که باید به مجلس می‌رفت و مصوبه می‌گرفت، برمی‌گردد که مصوبه‌ای گرفت ولی لازم الاجرا نبود. بندهای اضافه شود که این موضوع جلو برود. موضوع دیگری که بارها در مسابقات تجربه کردم ما به اشتباه یک تیم جوان یا یک فرد جوان بدون پشتوانه که فقط خلاق هست را دعوت کردیم و در مراحل بعدی چون ضعف قانون داریم، این را به چاله می‌اندازد، چرا؟ بارها شده در ایران مسابقه نفر اول خانم یا آقای X بوده است. اگر قرار است با مشاور Z همکاری کنند که گرید داشته باشند، این را از اول بگویند. اینکه من اصرار می‌کنم از اول اگر قرار است برگزار شود باید محدود باشد و توانمند باشد. این توانمندی فقط استعداد و خلاقیت نیست آن یک آیتیم هست. توانمندی یعنی تیم مشاور که سازه، تأسیسات، سیویل تیم حاضر داشته باشند نه اینکه وقتی برنده شدند، جوان‌تر شوند و بعد از شروع کردن تازه کار کنند. این طوری پروژه جمع نمی‌شود. همین الان که داریم صحبت می‌کنیم من درگیر دو مسابقه هستیم که مجبور کردم باید با نفر اول قرارداد ببندیم، نفر اول رفت مشاور گریددار آورد. مشاور گریددار نفر اول را دور زده و در دل آن خورده شد و تمام. پس بنابراین آن استعداد سرخورده شده است یعنی اگر از این زاویه هم به موضوع نگاه کنیم یک استعداد دعوت شده و بعد حذف شده است. این خیلی اثر منفی دارد تا اینکه از اول آن را دعوت نکنیم و در این مسابقه بنا شد. اتفاقی که در باغ کتاب تهران افتاد. نفر اول کسی دیگری بود و پروژه را شخص دیگری کشید و رفت.

مثال‌های زیادی هم وجود دارد که اصلاً توضیح ندهیم بهتر است. به دلایلی کارفرما یک جاهای می‌خواهد محک بزند که آیا این تیم می‌تواند با او همراه باشد یا نه. مسابقه را دو مرحله‌ای می‌کند حتی همان باغ نور هم همان شد که ما برنده شدیم و بعد گفتند فاز یک باید بدهید. می‌خواستند ببینند توان آن شرکت در فاز یک چیست و برای ۲۰۰ هزار متر مربع ۲۰ روز فقط زمان دادند. خوب من واقعاً نمی‌توانستم با شرکتی مثل کیسون رقابت کنم و این طبیعی بود که البته رقابت کردیم ولی در نهایت قرارداد را با نفر سوم بستند، چون تیم آن کامل‌تر بود. آن موقع ناراحت شدم ولی الان احساس می‌کنم بسیار کار منطقی بوده است چون در توان من نبود در سن پایین که هشت هکتار زمین را با ۲۰۰ هزار متر مربع انجام دهم.

توان من در حد همان ایده و کانسپت بوده است و داورها تشخیص دادند که من برنده می‌شوم. من با تغییر نه چندان زیاد مدارک مخالف نیستم، با تکمیل مدارک موافق هستم. چون یک وقت‌ها یک گروه یک شیپنت‌های کند، یک چیزهای را کم دهد و می‌توان از آن بخواهیم ظرف یک هفته مدارکش را تکمیل کند. در این حد من موافق هستم.

محمودی: صحبت آخر شما این بود که تکمیل و نه تغییر و نمونه‌های که مثال زدید به دلیل اینکه آن برنامه‌ای که اول برای مسابقه بسته شده بود، کامل نبوده و در حین مسابقه متوجه شدند کامل‌تر کنند که اطلاعات بهتری را بگیرند. نمونه‌های هم که اشاره می‌کنید اکثراً نمونه‌های حرفه‌ای هستند. ما داریم در خصوص روش مسابقه، حتی مسابقه‌های دانش افزای و دانشگاهی هم صحبت می‌کنیم، آقای دکتر عظیمی نظر شما چیست؟ واقعاً مدارکی که شرکت‌کننده دریافت می‌کند باید ثابت باشد و نسبت به آن جلو برود، یا به نظر شما می‌تواند در حین شروع کار تا قبل از تحویل دوباره اطلاعات دیگری را برگزار کننده بگیرد.

عظیمی: ما هر کدام بحث‌های خودمان را داریم و موضوع خودمان هست و چقدر خوبه این بحث‌ها باز می‌شود و برای مخاطب قابل سنجش هست و قطعاً آموزنده هست، سوال شما صرفاً این است که آیا مدارک در حین مسابقه قابل تغییر هست یا نه؟ ما اگر به هسته اول مسابقه که برگزار کننده هست برگردیم، آن می‌خواهد یک مسابقه برگزار کند که فعل انجام مسابقه در تخصص او نیست. پس باید یک مشاوره بگیرد یا به شخصی بسپرد. در انگلستان یکی از راه‌های درآمد ریوا برگزاری مسابقات هست که به ریوا می‌سپارند. هم درآمدزای می‌کند و هم به صورت حرفه‌ای آن را برگزار می‌کند. الان همان بحث مسابقات محدود یا غیرنامحدود است. خانم دکتر آراسته دو مورد را باز کردند. یکی حالت دعوتی توسط کارفرما یا مشاور است، یکی هم مدل مسابقه محدود که فراخوان می‌گذارند. همه روزمه می‌فرستند و کارفرما گزینش می‌کند. پس یک منطقی بوده که این سیستم را در مورد مدارک می‌چیند جسارتاً من بر خلاف نظر خانم دکتر آراسته مخالف تغییر مدارک هستم. چون اگر اول درست فکر شده باشد نیازی به تغییر مدارک در حین مسابقه نیست و اینکه مسابقه را حرفه‌ای کند، نیست. ما خودمان در خدمت خانم دکتر آراسته بودیم. چندین دوره مسابقه جایزه ساختمان ساز در خدمت خود شما هم بودیم. یکی از مشکلات جوایز معماری این است که پروژه‌ها در حرفه پست پروتاکشن از طریق فتوشاپ خیلی تغییر می‌کند. یعنی یک پروژه دیگری شاپ می‌شود و بالا می‌آید و جایزه تغییرات و مدارک را گذاشتیم. یک مسئله ورود به مرحله مسابقه است. بعد از مسابقه می‌رفتیم پروژه‌ها را می‌دیدیم که شماها هم تشریف داشتید. آنچه عملاً از پروژه‌ها بازدید می‌شد یعنی مدارک وجود نداشت. حالا فکر کنید در آن مرحله یک دفعه می‌گفتیم بازدید هم کردیم ولی احساس می‌کنیم باید یک قسمتی از پروژه را برایمان ارسال کنید. من با هر گونه تغییر مخالف هستم به شرط اینکه روز اول برگزار کننده و آن تیم اجرای و مشاوران آدم‌های درجه یکی باشند وگرنه اگر این اتفاق نتیجه بدهد ممکن است تغییر هم در حین مسابقه داشته باشیم. به هر حال الان رسانه‌ها بخش عمده‌ای از مسابقات و جوایز معماری را دارند برگزار می‌کنند که کاملاً تجربی جلو می‌برند و دوره به دوره با تجربه تر می‌شوند. بخشی هم نهادهای دولتی هست که آشنای ندارند ولی باید از مشاورها استفاده کنند که گاهی استفاده می‌کنند و گاهی هم استفاده نمی‌کنند. این ساختار هسته اصلی که خانم دکتر آراسته هم فرمودند باید قوام پیدا کند و بر محور اخلاق بالا بیاید. آن هسته محکم مسابقه‌ها هنوز محکم نیست. تعریف کنیم و یک سری از کنار بگذاریم و این ممکن است موجب ناراحتی، ناامیدی و هر چیز دیگری شود. به هر حال مسائل دقیق و عمیق هست و امیدوارم بتوانیم حل کنیم.

محمودی: خانم دکتر معتمد، صحبت‌های بزرگواران با یک نگاه متفاوت هست ولی مشترکات صحبت همه شما هم بحث اخلاقی و هم بحث حرفه‌ای است. در عین حال که دیدگاه‌ها متفاوت است، اشتراک‌ها بیشتر است. نظر شما چیست؟ آیا در حین مسابقه مدارک

اگر تغییر کند حتی این تغییر برای بهبود نتیجه پروژه باشد از نظر شما خوب هست؟ اخلاقی و حرفه‌ای است؟

معمتمد: هر گروهی که وارد یک مسابقه می‌شود و یک هزینه زمانی را حداقل پرداخت می‌کند و زمان و تخصص خودش را می‌گذارد تا بتواند ایده‌هایش را به بهترین شکل ارائه کند، در نتیجه وقتی این تغییرات به وجود می‌آید دچار مسئله و چالش می‌شود و این ربطی ندارد که آن شرکت چقدر کار کرده باشد. به هر حال دچار یک پارازیتی شده است در زمان ارائه پروژه، مسئله به نظر من به تجربه تیم برگزار کننده و داوری و به خصوص مدیر مسابقه برمی‌گردد یعنی اگر در یک مسابقه‌ای به این رسیدند که انتهایش مدارکی باید تکمیل شود، نشان دهنده این است که مدیر مسابقه نهایت لازم را برای برگزاری مسابقه نداشته است یا کارفرما خواسته ایده‌ها را تغییر داده و خواسته‌های را اضافه کند. من فکر می‌کنم این تغییر در حین برگزاری یک مسابقه خیلی جایز نیست. ممکن است بعد از برنده شدن و اعلام نتایج از تیم‌های که وارد پروژه شدند و حالا حداقل جز پنج تیم اول هستند درخواست کرد در مرحله بعدی یا با احتساب یک زمان مدارک تکمیلی را در حین مسابقه ارائه کنند. چون به هر حال این مسابقات وجوه مختلفی دارند. شما وقتی یک مدرکی را در بخش معماری اضافه‌تر می‌کنید و قرار هست روی آن بیشتر فکر شود در بقیه بخش‌های درگیر مسابقه هم به همان میزان برنامه‌ریزی به هم می‌ریزد و در نتیجه این تدوین برنامه، نشان دهنده کفایت مدیر مسابقه هست و اگر وجود ندارد باید برای به کارگیری آن مدیر پروژه مسابقه در مراحل بعدی یک فکر جدی شود. من می‌خواهم بگویم این مسئله را خیلی هم شخصی نباید دید. اینکه تجربه من در برگزاری یک مسابقه به چه صورتی هست این تجربه منحصر به فرد هست و می‌شود به یک اتفاق جامع‌تری برسیم. باید دیدگاه‌های مختلف را کنار هم بگذاریم. من نه فقط از منظر یک شرکت کننده بلکه از منظر برگزار کننده هم با این مسئله موافق نیستم و فکر می‌کنم ناتوانی مدیریت را نشان می‌دهد.

محمودی: خوب می‌خواهیم بحث بعدی را با خانم دکتر آراسته شروع کنیم در خصوص بحث ارزش معنوی کار که برای شرکت کننده‌ها بسیار مهم است و متأسفانه در ایران برگزار کننده‌ها به آن اهمیتی نمی‌دهند. خانم دکتر گویا شما یک مطلب دیگری هم دارید ولی ادامه صحبت درباره ارزش معنوی کار هم بفرمائید.

آراسته: من فکر می‌کنم در بحث قبلی هم آقای عظیمی و هم خانم معتمد قضیه را خیلی تک بعدی دیدند و این موضوع بسیار لایه دارد. اوارد با مسابقه فرق دارد. در واقع مسابقه طراحی، در یک اوارد کار ساخته شده و مدارک را می‌خواهند. وسط آن تغییر ندهند و نباید هم تغییر دهیم چون گفتند عکس بفرستید مثل جایزه آقاخان. آن یک اوارد هست یعنی کاری هست که انجام شده و دیگر بحث زمان و خلاقیت در آن لحظه مطرح نیست، یعنی رقابت به معنی اینکه من و آقای عظیمی در یک مسابقه داریم می‌دویم نیست ما دویدیم و ما داریم فیلم دویدن را می‌فرستیم. این دوتا با هم خیلی متفاوت هست. بنابراین در زمینه اوارد، تغییر نشان دهنده سوء مدیریت یعنی یک اختشاش در تصمیم گیری هست. اما در مسابقه طراحی و خلاقیت چه در معماری، چه در گرافیک، چه در همه دسته‌های دیگر از آنجای که خود پروسه طراحی یک پروسه پویا و زنده هست و در حتی آن داور و مدیر مسابقه قبلاً این راه را نرفته و این راه تازه هست مثل علوم فنون دریای و... تا به حال طراحی نشده است. در مورد موضوعات تکراری نباید این خطا انجام شود. براساس تجربه ۱۶ سال اخیر که در پس زمینه مسابقات بودم درباره موضوعاتی که برای اولین بار انجام می‌شود، دیدم که یک وقت‌های دوارهای بسیار با تجربه که ما دعوت کردیم به من پیام دادند که فکر نمی‌کنید یک ماکت اگر از این باشد بهتر است.

این موضوع را در جلسه مطرح کردیم به این نتیجه رسیدیم که این چیزی نبوده که مدیر مسابقه و یا برگزار کننده از قبل بداند. مدیر مسابقه برگزار کننده، مثل یک رو تیمی هست که می‌گوید ۴ شیت ۵۰ در ۷۰ برش، نما، مقطع و... . اینکه گفتیم من هم با تغییر مخالف هستم ولی با تکمیل موافق هستم چون تکمیل نشان می‌دهد پروسه داوری و مدیریت مسابقه مسیر صحیح را انجام می‌دهد. اگر ما بخواهیم از اول به صورت قاطع حکم دهیم اصلاً درست نیست و در مرحله‌های بعدی می‌توانند بگویند و پیش ببرند که ما به این نتیجه رسیدیم که کارفرما برای محک زدن و... . چون برای طرفین تجربه جدید هست و ما مسابقه‌های این طوری زیاد داشتیم که قطعاً داور چنین مسابقاتی بوده‌اید. مسابقه‌های که در پروسه شروع به قوام دادن می‌کند و از پیش تعیین شده نیست. بنابراین این با اینکه من می‌گویم باز مسابقه خاص هست و اوارد داریم متفاوت است. بعد می‌رسیم به یک سری مسابقه دانشجویی، مسابقه کانسپت و... آنها هم نباید عوض شود یعنی مدارک از سوی کارفرما عوض نشود. البته اگر کارفرما یک هفته مانده به تحویل، یک دفعه یک موضعی را

برای همه ایمیل کرد، چه ایرادی دارد یک داده ای اضافه داده و کمک می کند. این مسیر طراحی را منحرف نمی کند و برگزار کننده در این فاصله زمانی به یک سندی که تا الان نداشته دسترسی پیدا کرده و این را در اختیار همه قرار می دهد. این خیلی مهم است. برای همین در این زمینه حکم ندهیم که این بد یا خوب هست. بسته به شرایط هر مسابقه، می توانیم اندکی تکمیل و تغییر داشته باشیم که از روز اول ما درست گفتیم. اتفاقاً چه برگزار کننده چه داور باید بپذیرند که اشتباه کرده اند. این موضوع در دنیا پیش آمده است. من فیلم های داوری آن طرف را هم دیده ام که راه را اشتباه رفتیم و دو ماه دیگر تمدید کنید. مسابقه های بزرگی در دنیا هست که به این نتیجه می رسد که زمان کم بوده و باید زمان را تمدید کنند. حتی تمدید زمان با این چیزی که شما می گوئید، تغییر محسوب می شود. پس آیا این تغییر جایز نیست؟ به نظر من جایز هست به خاطر اینکه یک جمعی به این نتیجه رسیدند که همه آنها خبره هستند. نظر شخصی نیست، چند داور پیر هستند، یک برگزار کننده و یک مدیر مسابقه میانسال هست. با هم به این نتیجه رسیدند برای اینکه طرح بهتری داشته باشیم باید یک ماه اضافه کنیم. این یک تغییر مثبت در یک مسابقه می شود. بنابراین به نظر من روی این قضیه باز نباید با قانون صفر و یک برویم. در مورد حق معنوی با صاحب اثر است و اگر جای قرار هست چاپ شود.

محمودی: یعنی چه؟

آراسته: یعنی کارفرما بعد از برگزاری مسابقه و بعد از اینکه جوایز را می دهد صاحب اثر و طرح محسوب می شود. اگر معمار بخواهد اثرش را جای چاپ کند باید بگوید این مسابقه بوده و کارفرما این بوده است. اما کارفرما اگر چاپی کند باید بنویسد طراح... این را می تواند بنویسد، این دو طرفه هست، بحث رعایت است... اما اتفاقی که در ایران می افتد به گونه دیگری است. در مرحله مسابقه کانسپت را می گیرند، جوایز و لوح تقدیرها را هم می دهند. بعد شما می شنوید این طرح را در دفتر فنی کارفرما بردند و سه تیم دیگر را هم دعوت کردند. بعد از پنج سال طرح خودت را می بینی که کمی عوض شده است و به اسم شخص دیگری هست. این نکته خیلی مهمی است. الان ما چند دعوای حقوقی درباره این موضوعات داریم. از ارگ بم و آن اتفاقی های که افتاده است ما هنوز پرونده شکایت داریم، پرونده های که اسم صاحب اثر حذف شده است و اثر دزدیده شده به اسم دیگری می باشد. همچنان می گویم اخلاق بحث اول هست. اما فکر می کنم و مدیا می تواند کمک کند انتشار بلافاصله مسابقه اگر اجباری شود خیلی می تواند به این موضوع کمک کند که من سعی کردم در اکثر مسابقه ها در بند اساس نامه بگنجانم که حتماً در یک مجله معتبر بلافاصله چاپ شود چون در پس ذهن دانشجویان می ماند که من این طرح را چند سال پیش جای دیدم. حتی اگر الان به اسم حسن حسنی چاپ شده باشد ولی من می دانم طراح آن اثر حسین حسینی است. اما برایش واقعا راه حلی نیست. بعضی از چیزهای اخلاقی ... شما می دانید اگر بخواهید یک آدمی را حذف کنید راه حلی برایش وجود ندارد. من فکر می کنم با اطلاع رسانی در خود جامعه حرفه ای، این موضوع بتواند حل شود.

محمودی: آقای دکتر عظیمی با صحبتی که خانم دکتر کردند و مثالی که زدند دوباره موضوع این بی اخلاقی ها مطرح شد. به فرض نمی توانستند بگویند شیوا شیوایی، چطور این مثال ها همش به آقایان برمی گردد؟ آیا این بی اخلاقی هست؟ دزدی کار هست یا بالا بردن و ارزش گذاشتن به خود آن کار هست؟ از نظر شما این جایگاه و حقوق معنوی کجاست؟

عظیمی: من فکر می کنم خانم دکتر خیلی کامل توضیح دادند و برایش قانون هم نوشته شده است. از آن طرف هم در مسابقات سعی می شود رعایت شود. گاهی یک بندهایی در مسابقات می بینیم که تعجب می کنیم. مثل اینکه نوشته می شود این طرح برای ما هست که با اطلاع رسانی رفع رجوع می شود. برعکس این را هم خیلی دیدیم که طراح طرح کپی فرستاده و برگزار کننده را به خاک سیاه کشانده است و زیر بار هم نمی رود. یک سوال از خانم دکتر دارم، برای اینکه ذهن خودم شفاف تر شود و وقت جلسه را نگیریم اگر گزینه ها یک هفته قبل از مسابقه برای ما و برای برگزار کننده ارسال شود، این تکمیلی هست و خیلی هم خوب است و به ذهن ما کمک کرده است. ولی اگر یک دفعه بگویند من یک ماکت از همه می خواهم و امتیاز مثبت هم دارد، آیا این هم عادلانه هست؟ یا نه بلکه این زیاده روی هست و باید در مرحله بعد حل و فصل کنیم؟

محمودی: خانم دکتر آراسته پاسخ را دادند و گفتند شاید دو ماه زمان تمدید شود یعنی نسبت به سوالی که وجود دارد و کار اضافه می شود زمان هم اضافه می شود. خانم دکتر معتمد نظر شما در خصوص مالکیت معنوی پروژه که برای شرکت کننده ها و برای برگزار کننده بسیار مهم است کمی کم رنگ هست. نظر شما چیست؟

معمتمد: من کمی به عقب برمی‌گردم چون خانم دکتر آراسته روی سوال قبلی یک مطلبی اضافه کرده بود. من هم آن را نهایی می‌کنم. متأسفانه خیلی جوی می‌بینیم. تبعیض خیلی جوی و نگاه بالا به پایین وجود دارد و این اصلاً خوشایند نیست. به خصوص اینکه دعوت امروز برای این بود که نماینده‌هایی از گروه‌های مختلف کنار هم بتوانند گفت و گو کنند ولی متأسفانه این بیشتر به جدال شبیه شده است و باز هم تغییر در مدارک مسابقه یعنی چیزی که هنوز هم انجام می‌شود و کار درستی نیست. مدارک مسابقه و مدارک اسناد ترسیمی چیزی اضافه شود نمی‌تواند در برنامه ریزی تیم‌ها مسئله به وجود نیاورد. هر چقدر هم شما فکر کنید آن پروژه از قبل وجود نداشته باشد به هر حال وقتی یک مدیر مسابقه وارد می‌شود و یک هیات داوری و یک هیات سیاست‌گذاری وجود دارد همان‌طور که گفتم ممکن است از پنج گروه برتر بخواهند ولی تعداد بسیار زیادی هست، که معلوم نیست پروژه به نتیجه می‌رسد یا نه و بخواهند با استرس و درگیری بیشتری همراه شدند که بی دلیل هم است. به نظر من خیلی منطقی نمی‌رسد هر چند که شاید دوستان مخالف این نظر باشند.

در خصوص مالکیت معنوی به خصوص در چند مسابقه اخیر که من فراخوان آن را دیدم این مسئله مالکیت معنوی درونش تصحیح شده بود و به هر حال پروژه‌ها کم نبودند در یک مسابقه شرکت کردند مقامی نیاوردند بدون ذکر مسابقه قبلی در مسابقه‌های بعدی شرکت کردند و در واقع توانستند با موضوع مشترک جوایزی را کسب کنند و حالا تغییرات اندک در اسناد مسابقه به نظر می‌رسد که بی اخلاقی هست که وقتی شما پروژه را برای یک جایی ارائه می‌کنید مطلق هست به مسابقه‌ای که برایش طراحی شده و پروژه برای اولین بار در نظر گرفته شده است. در صورتی که این پروژه جابجا شود مسئله جدی به وجود می‌آورد. ولی فراتر از آن مسئله حقوق معنوی از سوی کارفرماست که به آن بر می‌خوریم. خیلی وقت‌ها کارفرما آن پروژه اول را به اشکال مختلف و روش مانورهای تبلیغاتی یا در ساخت ارزش استفاده می‌کند و یا قسمت‌هایی از پروژه‌های مختلف را کنار هم می‌گذارد بدون اینکه اشاره شود. در واقع هر کدام مطلق به یک پروژه خاص و شخص بوده و حقوق معنوی شرکت کننده‌ها اینجا ضایع می‌شود و به نظر می‌رسد که کارفرما باید این تعهد اخلاقی را نسبت به پروژه داشته باشد.

محمودی: خانم دکتر معتمد گویا وقت شما محدود است و می‌خواهید با ما خداحافظی کنید. اگر صحبتی دیگر دارید بفرمائید که بعد ما بحث را با خانم دکتر آراسته و آقای دکتر عظیمی ادامه می‌دهیم.

معمتمد: خوب به دلیل اینکه با تأخیر شروع شد و دوست داشتم بحث را تا انتها حضور داشته باشم ولی متأسفانه این امکان فراهم نشد. نهایت امر من فکر می‌کنم در کنار نگاه جدی که به بخش داوری و مدیریت مسابقه داریم و در حضور کارفرماهای که وارد برگزاری مسابقه می‌شویم یک نگرش و فکر جدی شود. بحث مسابقات معماری به خصوص وقتی از طرف نهادهای بالادستی در حال اجرا هست یا حتی نهادهای NGO در حال جریان هست. خیلی به سمت این می‌رود که شائبه مسائل مالی پشت پرده‌ای را برایشان طرح می‌کند که نگاه مثبت جامعه معماری را از این مسابقات نیست به آنها اعتماد کم‌رنگ می‌شود و نگاهشان کمی تغییر جهت می‌دهد، خیلی وقت‌ها مسابقات برای مناطقی برگزار می‌شود که از امکانات اولیه برخوردار نیستند ولی به سمتی رفتند که پروژه‌ها بصورت مسابقاتی با جوایز جالب توجه تعیین می‌شود. به نظرم در خصوص کارفرما جای بحث خیلی بیشتر هست. امیدوارم در موقعیت مناسب‌تری بشود درباره این موضوع بحث کرد.

از شما خیلی متشکرم

محمودی: تشکر می‌کنم از شما یک مطلب بسیار خوبی را یادآوری کردید بهتر است نظر کارفرما هم در نظر گرفته شود. در نشست قبل ما چهار نفر بودیم اینجا هم چهار نفر و همه ما معمار هستیم نه از بقیه استفاده کردیم نه بقیه رشته‌ها و نه از کارفرمایان. با شما خداحافظی می‌کنیم و بحث را با خانم دکتر آراسته ادامه می‌دهیم. خانم دکتر بحث معنویت کامل کنید از نظر حقوق معنوی اشاره کنید. **آراسته:** اتفاقاً الان شما روی یک موضوعی اشاره کردید که سعی کردم از اول جلسه آن موضوع را حفظ کنم و آن این بود که از سمت کارفرما حرف زدیم. ک اگر دقت کرده باشید از سمت برگزار کننده و از سمت معمار هم صحبت کردم. بحث یک طرفه دیدن این قضیه ما را باز هم به بیراهه می‌برد و بحث را احساسی و هیجانی می‌کند. من به دلیل اینکه باز هم در جایگاه کارفرما هم در جایگاه برگزار کننده بودم و اینکه نظرات آنها چیست. الان ما چند معمار هستیم که جمع شدیم. من در این جلسه خودم را معمار ندیدم بلکه

خودم را کسی دیدم که به واسطه اینکه معمار هشتم سالها است در مسابقات معماری شرکت کردم و بعد از سنی از شرکت کننده عام (که یک سری را طی باید کرد) به یک شرکت کننده خاص یعنی یک مرحله بالاتر تبدیل شدم و بعد به دلایلی در بدنه کارفرما رفتم و بعد دوباره به دلیل همان سن و تجربه (قطعاً کسی را در سن ۲۰ سالگی داور مسابقه نمی کنند ولی در ۴۵ سالگی داورش می کنند) حالا من داور شدم. بنابراین من در همه قسمت های داور، برگزار کننده، کارفرما و شرکت کننده بودم و صحبت هایی که امروز کردم خیلی صادقانه بود که ما یک طرفه نباید به قاضی برویم. اگر نقدی داریم که این مسابقه بد برگزار شد، باید ببینیم آیا ما این را از نظر کارفرما دیدیم؟ مسابقه ای که به نظر می آید در ایران خیلی خوب برگزار شده است و همه در جامعه حرفه ای خوششان آمده بود و تعریف کردند چرا کارفرما به شدت ناراضی هست؟ چون دقیقاً در آن مسابقه یک سری کار غیراجرایی و خلافانه کپی خارجی تحویل کارفرما شد، کارفرما موقع اجرا متوجه شد هیچ کدام اجرایی نیست ولی جوایز را داده بود و کاری نمی توانست کند. البته مسابقه منتفی شد، یعنی کارفرما پولی داد و کارهای غیراجرایی تحویل گرفت، با همین استدلال که همه استعدادها و جوانها بیابن و برج های ۵۰ طبقه طراحی کنند، حُب مشخص هست که توان یک دانشجوی معماری تازه و فارغ التحصیل نیست و بعد از اکسیس هست ولی در اجرا نیست و الان این پروژه خوابیده و فکر کنم هزینه این مسابقه نزدیک به ۲ میلیارد شد که این هزینه بسیار مهم است. در مورد بحث حق معنوی من بحثی ندارم. این موضوع بسیار مهم است و موضوع حل شده ای است چون جزء بخش های سالم است، فقط روی آن قسمتی که می بایستی کارفرما اگر قرار هست از یک مرحله ای طرح بگیرد و جای دیگر ببرد، مثلاً کارفرما از خانمی که برنده شده است خوشش نمی آید و می خواهد کار را به شخص دیگری بدهد، باید خیلی درست این موضوع را تمام کند. من بحشم در جلسه ها همیشه با کارفرماها این است باید موضوع را خوب تمام کنید و با احترام، حق و حساب او را پرداخت کنید. و برای ادامه دعوت کنید. چنانچه ناتوانی او برای ادامه ثابت شد بگویید شما نمی توانید ادامه دهید و با حفظ مقررات، کار را از او بگیرید و به فرد دیگری تحویل دهید. این در ایران یک پروسه ای هست که متأسفانه به برنده ها اجحاف می شود چون کارفرما بی دلیل پروژه را در جای دیگری می برد، البته آن شرکت کننده می تواند کارش را در مجلات چاپ کند.

محمودی: خانم دکتر اشاره ای که کردید این بود که در خیلی از مسابقاتی که برگزار می شود طرحی انتخاب می شود. همه شرکت کننده ها و داورها راضی هستند ولی بهره بردار و مالک به نتیجه واقعی نمی رسند و این در خصوص پروژه های اجرایی است و در خصوص پروژه های کانسپتی نیست و هزینه بزرگی هم کرده است. بعد هم دیدم مالک و بهره بردار، مجبور شده که هم هزینه بالایی کند و هم در رسانه ها از طرف جامعه معماران و حتی داورها پرخاشگری زیادی را بشنود که می گویند چرا این پروژه ای که داور کردیم اجرا نمی شود؟ آقای دکتر عظیمی آیا آن مالک حق دارد یا نه؟ پروژه سلیقه ای نبوده و بحث های اقتصادی، فنی کم رنگ نبوده است که آن مالکی که از اول قصدی نداشته و مایل بوده این مسابقه را ندهد و به یک شرکت واگذار کند و ایده های زیادی باشد که بتواند بهترین ها را انتخاب کند. هزینه کرده و دیده آن مالک و آن بهره بردار مجبور هست هم هزینه بالا کند و هم در رسانه ها پرخاشگری های زیادی را بشنود. ولی چرا در آخر زیر بار نرفته که انتخاب پروژه داوران را انجام دهد؟ حق با کدام هست؟

عظیمی: شما می دانید در خیلی از مسابقه ها که برگزار می شود کارفرما نیاز به طرح دارد و طرح برنده را در نهایت دور می ریزد و هیچ وقت هم آن طرح را نمی سازد. علاوه بر این مشکلات قطعاً پرخاشگری در اینستاگرام و... به آن اضافه می شود. علتش این که چون به هر حال یک برنامه ای داشته که این مسابقه را اجرا و هزینه کرده است. ولی همه مشکلات هم گردن معمارها نیست. شاید برگزار کننده و مشاورانش قبل از مسابقه بیشتر وقت می گذاشتند که مسابقه برای خودشان شفاف تر شود. که بعد سیگنال شفاف تری را به دیگران و مخاطبها بدهند. که بتوانند پاسخ شفاف تری را بگیرند. همیشه گفته ام علت شکست خیلی از مسابقه ها نه فساد است و نه می خواهند کاری کنند بلکه تجربه ندارند و وقت هم نمی گذارند و سریع مسابقه را اجرا می کنند و باعث می شود مسابقه به مشکلات زیادی بر بخورد که کاملاً حق دارند. ولی همه تقصیرها به گردن معمار نیست. باید بدانیم شکفتن آن اخلاق در مسابقه از برگزار کننده شروع می شود. اگر برگزار کننده ای تا به حال ۱۰ مسابقه را بد برگزار کرده است، مشخص هست که مسابقه یازدهم را هم با نقشه جلو می برد. من برگزار کننده در مسابقات را بسیار مهم می دانم.

محمودی: با صحبتی که کردید و اشاره ای که خانم دکتر آراسته داشتند که در مسابقه های زیادی، هم شرکت کننده و هم برگزار کننده

بودند، از ایشان این سوال را دارم که در دوری‌ها چند بار شده که داورها سوال کردند که یک‌بار دیگر برای ما شرح دهید که مسابقه چه بوده است یعنی بعد از اعلام نتیجه داوری برای شرکت کننده‌ها و کار تحویل گرفته شده، داور آن لحظه گفته مسابقه چه چیزی است و موضوع آن چیست تا به حال؟ با این رویکرد روبرو شده اید؟

آراسته: با این موضوع زیاد درگیر بودم. ما دو دسته داور داریم، داورهایی که در حرفه هستند و شرکت مشاور دارند و شغل دیگری جز معماری ندارند. این داورها معمولاً علاقمند هستند و روی موضوع مسابقه وقت می‌گذارند و خودشان درخواست جلسه می‌کنند که برای ما توضیح دهید چگونه هست. دسته دوم که برای اعتبار مسابقات معمولاً یک یا دو نفر از آنها گذاشته می‌شوند معمار هستند اما شغل دولتی و پست دولتی و دانشگاهی دارند و در واقع دغدغه و مشغله بسیاری دارند. در اوایل، من با این موضوع مشکل داشتم اما بعد درک کردم واقعاً وقتی پست مهمی در حد وزارت یا معاونت دارد شاید آن وقت را نداشته باشند که بیاید و قبل مسابقه در جلسات زیاد شرکت کنند و شاید منع داشته باشند. این پدیده معمولاً درباره داورانی هست که مشغله ای بیش از معماری دارند و چند شغله هستند و کارهای دولتی و نیمه دولتی دارند که در آن مورد، چون داوری فرد هست و یک یا دو نفر از این داورها هستند اما در موقع مسابقه نیستند بلکه پیش آمده است که شب یا روز قبل توضیحاتی خواستند یا در روز مسابقه و روز داوری بعضی از دوستان مرا صدا کردند و گفتند مثلاً آیا شما همین‌ها را خواسته بودید یا چیزهای بیشتری می‌خواستید، در صورتی که آنها متن را داشتند و به دلیل مشغله‌ی فکری فراموش کردند. خوب این دغدغه هست، واقعاً شغل آنها و هیچ کدام از ما داوری نیست بنابراین من با این موضوع خیلی مشکلی ندارم. چون یک دلیل دیگر ما این هست که عزیزانی که در این مراتب هستند آنقدر تجربه دارند و آنقدر سریع الانتقال هستند که وقتی به آنها توضیح داده می‌شود به دلیل تجربه‌ای که دارند در داوری می‌توانند موضوع را سریع بگیرند. چون مثلاً ۵۰ تا مسابقه را داوری کردند و با یک داور تازه کار یک تفاوتی دارند. من با این موضوع برخورد کرده‌ام و موضوعی است که بهتر است پیش نیاید ولی اگر پیش آمد، اگر توضیحی داشت و منطقی بود ما با این موضوع کنار خواهیم آمد.

محمودی: خیلی جالب تشریح کردید که بله این موضوع وجود دارد و دلایل آن هم اشاره کردید و باز هم اشاره داشتید از نظر اینکه تعداد اگر به فرض هفت نفر باشند می‌تواند این را بیوشانند و خیلی هم خوب هست و قابل قبول می‌باشد. آقای دکتر عظیمی در ایران مسابقاتی که برگزار می‌شود و جوایزی که داده می‌شود از نظر مادی مهم است یا از نظر معنوی؟ افراد برای شناخته شدن شرکت می‌کنند و جایزه می‌گیرند و بعد می‌گویند ما کجاها شرکت کردیم. خود این جوایز جایگاهش از نظر مادی و معنوی، چه از نظر کسانی که شرکت می‌کنند و چه از نظر کسانی که برنده می‌شوند و چه آنهایی که برگزار کننده هستند، حد و اندازه آن از نگاه شما چیست؟

عظیمی: کلاً روندمان مثبت هست یعنی از قدیم تا الان و روز مسابقات به نظرم روند مثبتی داشتیم و از دیروز تا امروز که این جلسه برگزار شده است، باز یک بخش از دانش و انکار تولید شده روندش مثبت است و مسائل شفاف‌تر شده است. فقط هم در مورد جوایز این اتفاق افتاده است. مثلاً امروزه ارزش جوایز معنوی بسیار بالا رفته است. یک زمانی چاپ آثار ارزش محسوب نمی‌شد اما امروزه ارزش محسوب می‌شود و خوب است. ولی به هر حال جوایز مادی هم باید داشته باشیم، همان مسابقه‌ای که خانم دکتر قبول شدند و ۷۰ سکه جایزه گرفتند. اگر بخواهیم امروز یک مسابقه برگزار کنیم و به نفر دوم ۷۰ سکه بدهیم، پس به نفر اول چند سکه داده شده است که به نظر من در این برهه زمانی غیر ممکن است. یعنی به هر حال جوایز چه مادی و چه معنوی باید وجود داشته باشند و بعضی وقت‌ها مادی کمتر می‌شود و معنوی بیشتر می‌شود. ولی توان افراد و میزان سرمایه‌گذاری بسیار مهم هاست خوشحال هستم جوایز معنوی در این سال‌ها رشد کرده است. این برای فرهنگ معماری و آینده معماری ما خوب هست که دیگر همه چیز جوایز مادی نیست. پشت جوایز معنوی هم از هرگونه‌ای که هستند خوب است. بعضی وقت‌ها بچه‌ها برای جوایز کارهای خلاقانه‌ای انجام می‌دهند که این بسیار خوب است که فرهنگ آنها بیشتر شده است.

محمودی: در خصوص جوایز از خانم دکتر می‌پرسیم. ولی چون زمان ما تقریباً به انتها رسیده است، آخرین سوال را دوباره از شما می‌پرسم. روند مسابقات را در ایران مثبت می‌بینید یا نه؟

عظیمی: بله روند و گفتوگوها مثبت است و شاید ظاهراً تنش‌آلود باشند ولی نکات مثبت زیادی هست و بسیار مفید می‌باشند. برای مسابقات معماری و جوایز قطعاً خیلی آینده خوبی را می‌بینم و خوشحال هستم با تمام مشکلات مسابقات زیادی برگزار می‌شود. اینها برای همه کسب تجربه می‌شود.

محمودی: ممنون از شما با نگاه مثبتی که داشتید که اشاره کردید اینها همه تجربه می‌شود. خانم دکتر به عنوان کلام آخر نظر و نگاه شما در خصوص جوایز و آینده مسابقات در ایران چیست؟ آیا ما همیشه باید تجربه کنیم یا بالاخره یک کار حرفه‌ای هم انجام دهیم و از تجربیات گذشته هم استفاده مفیدی کرده باشیم؟

آراسته: در مورد جوایز باز من از ابتدای صحبت‌ها، این را گفتم کلمه مسابقات، یک کلمه عام هست، ما باید در تمام بحث‌هایمان حتماً دسته‌بندی داشته باشیم یعنی حتی خود مسابقه محدود دسته‌بندی دارد. وقتی بحث جایزه مطرح می‌شود و خودم را به جای شرکت کننده جوان بعد از آن به جای شرکت کننده حرفه‌ای و بعد از آن به جای برگزار کننده می‌گذارم، می‌بینم که جایزه یک مسابقه باید زیاد باشد تا ما جذب کنیم. چون مسابقه‌ای نیست که کسی هزینه کند. یک وقت‌هایی یک مسابقه‌ای است که اتفاقاً برای قشر جوان می‌باشد و جوان برای مطرح شدن باید هزینه کند. همه‌ی ما این مراحل را گذرانده‌ایم، حتی شرکت مشاوره که اول تأسیس می‌شود شاید دو تا پروژه را مجانی انجام دهد. بنابراین اینکه ما کجا هستیم و آن مسابقه با ما نسبتش چیست، این عدد جایزه را تعیین می‌کند. قطعاً امروز ما نمی‌توانیم برای مسابقه‌ها ۷۰ سکه بگذاریم ولی اگر جایزه را کم بگذاریم، رغبت به شرکت کم می‌شود. اما اگر موضوع بسیار جذاب باشد و محدود هم باشد و هدف هم بستن قرارداد با نفر اول باشد، آن ۶ معماری که دعوت شدند این ریسک را می‌پذیرند که ۵۰ میلیون هزینه کنند و دو میلیارد قرارداد ببندند. بنابراین اینها هم قابل مقایسه نیستند. در یک مسابقه، دانشجویی ترم دو است و اگر دو تا سکه هم بدهند چون بحث معنوی درونش مهم است و می‌خواهد مطرح شود مشکلی ایجاد نمی‌کند. حالا برای جوانی که تازه وارد حرفه شده است، اصلاً جایزه مهم نیست و می‌خواهد دیده و مطرح شود، برای آن دیده شدن هزینه هم می‌کند. ولی وقتی دیده شد می‌گوید مسابقه باید کمک هزینه داشته باشد. درست است که شاید در آئین‌نامه، تعداد صفحات آن خیلی بیشتر باشد اما به یک چیز جامع می‌رسد یعنی تدوین می‌شود و برای تک تک حالت‌ها، همه تبصره‌ها را دیده باشیم که این جوری نگوییم که مسابقه باید جایزه‌اش درخور باشد. این جمله بسیار کلی است. به عنوان مثال من با آقای دکتر محمودی بسیار متفاوت هستم و دفتر من هم با دفتر شما بسیار فرق دارد. شما وارد مسابقه‌ای می‌شوید که هزینه‌های شما را پوشش می‌دهد، من وارد مسابقه‌ای می‌شوم که هزینه‌های من را پوشش می‌دهد و یک دانشجو وارد مسابقه‌ای می‌شود هزینه آن داده می‌شود که یک لپ تاپ هست. بنابراین استفاده از جملات کلی، حکم دادن‌های کلی معنی ندارد. شاید اولین قدم برای اینکه به آن اتفاق خوب برسیم این است که از اول، کلمه مسابقه را تشریح کنیم. اصلاً مسابقه یعنی چی؟ چه نوعی مسابقه‌ای؟ اینکه همه را با یک چوب بزنیم و همه را مسابقات معماری بگوییم؟ مسابقات معماری ۵۰ تا آیتم دارد و یک مدل نیست و هر کدام یک رفتار در داوری و مدیریت می‌خواهد، یک بحث در جوایز می‌خواهد.

از نظر اینکه فرمودید ما داریم راه مثبت می‌رویم، با این روندی که پیش می‌رویم به نظرم درست نیست. به دلیل اینکه متأسفانه یک شخصی یک زحمتی را می‌کشد به جای اینکه مثل دو امدادی عمل کنیم و اگر من این زحمت را کشیدم و آمدم تا اینجا و دادم دست آقای عظیمی، بردارد و بدهد به خانم X و ایشان به خانم Y، این کار را انجام نمی‌شود یعنی ما یک زحمتی را می‌کشیم بعد یک آدمی می‌آید وقتی می‌بیند کار آماده هست کار را می‌برد و ای کاش درست مسیر را جلو ببرد که اشتباه می‌رود. دوباره برمی‌گردد و می‌خواهد دوباره از نو اختراع کند که متأسفانه این مشکل را زیاد داریم. یعنی یک پروژه کامل تکمیل شده است، ولی مدیر کار عوض می‌شود و پروژه و کار کلی به هم می‌خورد. تا زمانی که این اخلاق قائم به شخص بودن داریم و تا زمانی که روی همه موضوعات ما تفکر سازمانی نداشته باشیم، نمی‌توانیم به جای برسیم. زمانی موفق می‌شویم که یک برنامه‌ای را تدوین کنیم. حالا X تعیین کند یا Y اصلاً مهم نیست. این را به دیوار بزنیم، بعد از آن از A تا Z هر کسی آمد باید موظف باشد که اجرا کند اما متأسفانه این کارهای اشتباه در کشور ما بسیار می‌باشد. ما چندین بار تدوین اساسنامه‌های مهم و مختلف داشتیم. حتی ما در نظام مهندسی کشور این مشکل را داریم که هر بار رئیس عوض می‌شود کلی قوانین تغییر می‌کند که به نظر من تفکر سازمانی نیاز داریم. یعنی این روندی که جلو می‌رویم که همه چیز قائم به شخص است یعنی اگر آن شخص فوت کند و همه چیز از بین می‌رود این به جای نمی‌رسد و هیچ وقت به آن موقعیت در این زمینه نمی‌رسیم که یک سری قوانین باشد و یک دفعه ۱۰۰ سال بعد بگویند ایران از ۱۰۰ سال پیش قوانین رسمی مسابقات

دارد حالا شاید دو تا بندش یک تغییرات کوچکی کند ولی آن بیس باشد. اگر واقعا کسی دل سوز هست بیاید و آن قوانین را بنویسد و بعد به نظر سنجی عمومی بگذارد و تکمیل کند تا قوام پیدا کرده و آن را تصویب کند و بگذارد در جایگاه خودش و برود. همه جامعه حرفه‌ای موظف به این قوانین باشند. هر چند سال، اساتید و افراد خبره یک نگاهی کنند و اگر خواستند نسبت به شرایط جامعه تغییر کوچکی در آن بدهند اما به بیس کار به هیچ عنوان دست زده نشود که ما مشکل این است که آن بیس را نداریم. ما کلاً آن بیس درست را نداریم که بعضی از بندها ویرایش شوند. آنقدر آن بیس ما کم هست که شاید اگر پرینت گرفته شود ۲۰ برگ هست که نمی‌تواند بیس یک مسابقه کشور باشد. بنابراین من روی این قضیه مثبت نیستم.

محمودی: با نگاه مثبت می‌بینیم از این لحاظ که شما اشاره کردید که همه قسمت‌های مسابقه بد شده و جامعه حرفه‌ای این را می‌داند. پس قبول داریم باید درست کنیم، یعنی دیگر کتمان نمی‌کنیم و قبول داریم مسابقه‌ها مسیر بعدی را جلو می‌رود. همچنین اشاره شد هر مدیری می‌آید و تغییر می‌دهد، من یاد این موضوع افتادم که بگویی هر مدیری که می‌آید، متأسفانه تغییری که اول می‌دهد در بخش معماری است یعنی اگر رئیس بیمارستان عوض شود در ۶ ماه اول، رئیس جدید ابتدا معماری بیمارستان را عوض می‌کند و نمی‌داند چرا به این کار دست می‌زنند. اشاره دیگری شد که ساختار و نظم انضباطی داشته باشد که اگر مدیر هم تغییر کرد فرقی نکند بلکه همان روش را ادامه دهد که اتفاقاً در این نامه‌ای که شما هم در آن دخیل و پایه گذار بودید و یکی از اعضا هستید، امیدوارم روز به روز کامل‌تر شود و جلو برود.

در این دو نشستی که امروز و دو هفته قبل برگزار شد، همه شما عزیزان مطالب بسیار مفیدی را اشاره کردید. از اینکه در انتخاب داور باید از جوانان و مسن‌ها، از دو جنس زن و مرد باشد و... الان هم اشاره‌ی بسیار خوبی شد که مسابقه‌ها در مقیاس‌های مختلف و برای دانشگاهیان و حرفه‌ای‌ها باید باشد. اشاره شد بحث محدود بودن خوب است ولی تمام شما بزرگان بحث اخلاق در مسابقات را خیلی تاکید داشتید. کاملاً مشخص است که الان قسمت بی‌اخلاقی در مسابقات خیلی نمایان شده و این بی‌اعتمادی در جامعه حرفه‌ای برای مسابقات به وجود آمده است. من با دید مثبت می‌بینم اینکه اعتقاد داریم الان به بی‌اخلاقی رسیدیم، پس باید آهسته به آن وجدان درونی‌مان رجوع کنیم و بحث اخلاق را در مسابقه‌های معماری خیلی پررنگ تر کنیم. این نشست یکصد و پنجاه و نهمین بود از اندیشکده هرم پی که عصر پنجشنبه‌ها یک هفته در میان پخش می‌شود.

تشکر می‌کنم از خانم دکتر شیوا آراسته، جناب آقای دکتر علیرضا عظیمی و همین‌طور خانم دکتر مهشید معتمد که از راهی دورتر با ما بودند و ارتباط داشتند و امیدوارم در نشست‌های بعدی را هم بتوانیم حضوری برگزار کنیم البته دور از کرونا.

تشکر می‌کنم از همه